

کتاب درسیرجان، کیلوی چند؟!

ساره میرحسینی

گزارش



پاییز امسال دیگر خبری از برپایی نمایشگاه کتاب گل‌گهر نبود. نمایشگاهی که سال گذشته با دعوت از کلی ناشر خوب کشوری برگزار شد اما امسال در میان دغدغه‌های دیگر به فراموشی سپرده شد.

زمانی یکی از رؤسای قدیم اداره ارشاد سیرجان شعار سیرجان، پایتخت کتاب ایران را سرمی‌داد و داعیه‌دار شعار مضحک‌ای بود بدون توجه به اینکه سیرجان ظرفیت تحقق این رویا را ندارد و نه تنها آن سال‌ها که هنوز هم اداره ارشاد شرایط و زیرساخت این نامزدی را ایجاد نکرده. حتی برنامه هم نریخته که اگر شرایطش مهیا نیست، برای رسیدن به شرایط کاندیداتوری باید چه زیرساخت‌هایی ایجاد شود؟ شهر ما به چه امکاناتی نیازمند است و چطور باید فرهنگ کتابخوانی را در میان مردم شهر گسترش داد؟

کتاب خواندن، دغدغه اکثریت ما نیست

همشهریان کتابخوانی که تقریباً حرفه‌ای با کتاب از هر دو نوع کاغذی و الکترونیکی آن اخت هستند، درباره‌ی شرایط سیرجان می‌گویند: «یک مقایسه‌ی کوتاه میان سیرجان و شهرهای دیگر (حتی کلانشهرها هم نه)» نشان می‌دهد که بهتر است مسئولان فرهنگی امروز سیرجان از آن تجربه پند گیرند و به جای برداشتن لقمه‌های بزرگتر از دهان، در زمینه‌های دیگری که پتانسیلش موجود است (مثل شهر جهانی گلیم) حافظ عنوان شهر باشند. چون در سیرجان نه بازار دستفروشی کتاب رونق دارد و نه کافه‌کتابی که موفق باشد و به درآمد و ثباتی برای تداوم کار برسد، وجود دارد.

یکی دو تلاش برخی اهالی فرهنگ و هنر در این زمینه هم، شکست تلخی را تجربه کرده است و این شکست تلخ یا از سر رکود و استقبال نشدن از طرف مردم بوده و یا به خاطر برخی فشارهای تنگ‌نظرانه‌ی مسئولان امر که انگار هر جمع فرهنگی‌ئی را یک خطر بلقوه می‌بینند! از طرف دیگر یک المان کتاب و یا پارک کتاب با نیمکت و میز مجهز و از این قبیل هم در سیرجان دیده نمی‌شود و در دستور کار هزارم

شورا و شهرداری‌مان هم نیست.

همچنین یک شهرستان سیصد تا چهارصد هزار نفری تنها دو کتابفروشی خوب در زمینه‌ی ارائه‌ی کتاب‌های غیردرسی دارد! معنای آن چیزی جز این است که قانون عرضه و تقاضا اجازه‌ی بیشتر شدن این کتابفروشی‌ها را نمی‌دهد.

مطالعه آزادی جدی و زیادی در سیرجان وجود ندارد تا تقاضای کتاب غیردرسی و غیر دانشگاهی را بالا ببرد و در نتیجه سرمایه‌گذاری هم حاضر شود با کمی ریسک وارد بازار عرضه‌ی این نوع کتاب‌ها شود، محکوم به شکست است.

در سالیان گذشته شاهد نمایشگاه‌های سالی یک بار و فصلی کتاب در حیاط اداره قدیم ارشاد سیرجان هم بودیم که بیشتر از اینکه نمایشگاه باشند، سوژه‌ی خنده بودند.

بیشتر از اینکه نمایشگاه بوده باشند، دکانی رانته بوده‌اند برای یک کتابفروش غیربومی یا یک یا چند ناشر خاص با مجموعه‌ای از کتاب‌های چه کسی پنیر من را جا به جا کرد و کدام شکمو قورباغه‌ی مرا خورد؟!

البته از دایره انصاف خارج نشویم تازه چند سالی بود که به همت مدیریت سابق روابط عمومی و امور بین الملل شرکت گل‌گهر و موسسات فرهنگی زیرمجموعه‌اش، شاهد برگزاری نمایشگاه‌های واقعی کتاب بودیم که با کار برنامه ریزی شده از ناشران مختلف کتاب های متنوعی را در نمایشگاه دعوت کرده و بهترین و متنوع ترین کتابها را عرضه می کردند این یکی هم امسال برگزار نشد! ولی باید دید اگر حمایت مالی گل‌گهر از ناشران کشوری حاضر در نمایشگاه و ارائه کالا بزرگ کتاب به مردم و این مسائل نبود، باز ناشران ریسک می‌کردند که زمان و توان‌شان را برای ارائه‌ی آثار تازه‌ی نشرشان در شهری مثل سیرجان بگذارند؟ بدون شک نه. یعنی بدون یارانه امکان برگزاری آزاد چنین نمایشگاه‌های بزرگی در شهر سیرجان نیست زیرا بازار فروشی وجود ندارد. اگر شرکت‌ها بن خرید به نیروهایشان ندهند، استقبال از این نمایشگاه هم به کمتر از نصف می‌رسد. همین طور که سال‌های گذشته دیده شد طرف کارگر یا کارمند شرکتی بود و بن کتاب دریافت کرده بود اما چون احساس نیاز نمی‌کرد، بن‌هایش را در فضای مجازی با نصف قیمت به حراج گذاشته بود!

هر گوشی همراه یک کتابخانه است اما کو فرصت؟

از دیگر همشهریان اهل کتاب و کتابخوانی هم می‌شنویم که می‌گویند: «کتابخوانی دیگر با متر و معیار سبک قدیم نباید سنجیده شود. امکانات زیاد شده. الان با یک گوشی و نصب نرم افزار خرید آنلاین کتاب الکترونیک می‌شود کتاب خواند. قیمتش هم یک سوم کتاب کاغذی است و دیگر گرانی کتاب را هم نمی‌شود بهانه کرد. بیشتر از معین کردن یک زمان حتی شده کوتاه در روز برای خواندن کتاب است و باید این زمان را در لا به لای برنامه زندگی گنجاند. اصل باز کردن وقت برای کتاب و جا باز کردن برای آن مهم است. سی دقیقه. ۱۵ دقیقه.» به نظر مشکل دیگر محیط‌های شهرهای امروزی است که آرامش و فرصت تمرکز ذهنی لازم را برای خواندن باقی نگذاشته است. برای کتاب خواندن در شهر ما تبلیغ نشده است.

